

پژوهشنامه نقد و هابیت؛ سراج منیر ♦ سال سوم ♦ شماره ۱۲ ♦ زمستان ۱۳۹۲
صفحات: ۷۰-۵۳ ♦ تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۸/۲۳ ♦ تاریخ تأیید: ۱۳۹۲/۱۱/۱۲



تأثر عالم از شهادت امام حسین علیه السلام از دیدگاه اهل سنت و نقد و بررسی دیدگاه ابن تیمیه

قادر سعادتى *

چکیده

بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، اتفاقات عجیبی در عالم رخ داد که نشان‌دهنده عظمت جنایت و حاکی از غضب الهی بود. هر یک از موجودات عالم به حسب خلقت خود در سوگ شهادت امام حسین علیه السلام، ابراز تأثر و حزن کردند. این عجایب علاوه بر اینکه در کتب شیعه آمده، در کتب اهل سنت نیز وارد شده است. ابن تیمیه مانند بقیة فضایل اهل بیت علیهم السلام، این معجزات را نیز بدون دلیل انکار کرده است و گریه موجودات بر امام حسین علیه السلام و سرخی آسمان و باران خون و... را کذب دانسته است، ولی بر خلاف گفته او، این اتفاقات در کتب اهل سنت که مورد استناد و اعتماد ابن تیمیه هم هستند، با طرق متعدد ذکر شده‌اند و امکان وقوع آنها با آیات و روایات اثبات می‌شود.

کلیدواژگان: امام حسین علیه السلام، معجزه، عاشورا، ابن تیمیه.

◆ مقدمه

در باب فضایل اهل بیت علیهم السلام فضایل اعجازآمیز آنان مورد انکار ابن تیمیه قرار گرفته است؛ از جمله مسئله تأثر آسمان و زمین از شهادت مظلومانه امام حسین علیه السلام که نشان غضب الهی و تذکر و تنبیهی برای مردم بود. لذا لازم است از منظر آیات و روایات، آن را بررسی کرد تا حقیقت آشکار گردد. بدین منظور در کتب اهل سنت علی الخصوص کتب نویسندگانی که مورد قبول ابن تیمیه هستند یا پیرو اویند، این موارد را بررسی می‌کنیم.

◆ جایگاه امام در نظام هستی

شیعه امام را واسطه فیض الهی بر روی زمین و واسطه بقای موجودات عالم می‌داند؛ چنان که ائمه علیهم السلام فرموده‌اند: «لَوْ بَقِيَتْ الْأَرْضُ بِغَيْرِ إِمَامٍ لَسَاخَتْ»^۱ اگر زمین بدون امام بماند، فرو می‌رود». به همین جهت، شیعه فقدان امام علیه السلام را نیز در عالم مؤثر می‌داند. از طرفی، چون موجودات عالم همه دارای شعورند و خدای خود را می‌شناسند و او را تسبیح می‌کنند، حجت خدا در روی زمین را نیز می‌شناسند و از او فرمان می‌برند و در مصیبت او متأثر می‌شوند.

در شهادت امام حسین علیه السلام نیز تمامی عالم گریان شدند، اعم از ملائکه و اجنه و حیوانات و نباتات و جمادات. تمامی مخلوقات، به حسب خلقتشان در غم این امام مظلوم محزون شدند و این مطلب را امام صادق علیه السلام در زیارتی به‌طور واضح فرموده‌اند:

أَشْهَدُ أَنَّ دَمَكَ سَكَنَ فِي الْخُلْدِ وَ أَفْشَعَتْ لَهُ أَظْلَلُهُ الْعَرْشِ وَ بَكَى
لَهُ جَمِيعُ الْخَلَائِقِ وَ بَكَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُ السَّبْعُ وَ مَا
فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَنْ يَتَقَلَّبُ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّارِ مِنْ خَلْقِ رَبَّنَا وَ مَا
يُورَى وَ مَا لَا يُورَى...^۲

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۱، ص ۱۷۹.

۲. همان، ج ۴، ص ۵۷۶، چاپ دوم اسلامیة.

شهادت می‌دهم که خون تو در بهشت جا گرفت و برای آن خون ارکان عرش لرزید و جمیع مخلوقات گریستند و آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه و هرچه در آنها و مابین آنها بود و هرکسی که در بهشت و دوزخ بود و هرچه دیده می‌شود یا نامرئی است، بر آن گریستند.

♦ امکان گریه و تأثیر موجودات در قرآن و روایات

برای اثبات امکان گریه موجودات از نظر قرآن و روایات، توجه به چند نکته لازم است.

۱. شعور و شناخت موجودات

چگونه ممکن است همه موجودات، اعم از ملائکه، جن، حیوان، انسان و حتی جماد و نبات، در غم کسی متأثر گردند و بگریند؟ در پاسخ به این سؤال باید توجه داشت که شناخت، فرع بر شعور است و تا موجودی شعور نداشته باشد، نمی‌تواند چیزی را بشناسد. از آیات فراوانی استفاده می‌شود که موجودات بدون استثنا دارای شعورند؛ مانند آیاتی که به هدایت موجودات در امور معیشت‌شان اشاره دارد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى»^۱؛ «گفت پروردگار ما آن کسی است که خلقت هر موجودی را به آن داده و سپس هدایت کرده»، و آیاتی که یادآور سجده و تسبیح موجودات است: «وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۲؛ «آنچه در آسمان‌ها و زمین است، برای خدا سجده می‌کند»، «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»^۳؛ «آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و کسانی که در آنها هستند، او را تسبیح می‌کنند و هیچ موجودی نیست، مگر آنکه با حمد خدا، پروردگارش را تسبیح می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید».

۱. سوره طه (۲۰)، آیه ۵۰.

۲. سوره نحل (۱۶)، آیه ۴۹.

۳. سوره اسراء (۱۷)، آیه ۴۴.

همچنین آیات و روایاتی که درباره معجزات انبیا^۱ و اولیا^۲ ذکر شده، همه دلیل بر شعور داشتن مخلوقات و شناخت ایشان از خدای متعال و پیامبران و اولیا^۳ است.

۲. تأثیر موجودات در سوگ ولی الهی

با توجه به مقدمه قبلی، اگر یکی از پیامبران خدا یا یکی از اولیای الهی مظلومانه کشته شود و این موجودات که حجت الهی را می‌شناسند، در شهادت او متأثر شوند، هیچ امر بعیدی نیست، بلکه در شهادت حضرت یحیی^۴،^۲ امام حسین^۵ و برخی دیگر از انبیا و اولیا این امر اتفاق افتاده است. بهترین دلیل، آیه شریفه ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كُنَّا مُنْظَرِينَ﴾؛^۳ «آسمان و زمین بر آنها گریه نکردند و مهلت نیافتند» است که دلالت دارد که گریه آسمان و زمین قطعاً امکان دارد اما این قوم فاسق (قوم فرعون) از کسانی نبودند که بر اثر هلاک آنها آسمان و زمین گریه کنند. برخی مفسران اهل سنت در ذیل همین آیه، امکان گریه و کیفیت گریه آسمان و زمین را توضیح داده‌اند و عجایب اتفاق افتاده بعد از شهادت امام حسین^۶ را از مصادیق آن آورده‌اند،^۴ حتی در روایات اهل سنت وارد شده که «آسمان و زمین در سوگ مؤمن چهل روز گریه می‌کنند»^۵ و از پیامبر^ص نقل کرده‌اند: «ألا لا غربة على مؤمن ما مات مؤمن في غربة غابت عنه فيها بواكبه إلا بكت عليه السماء والأرض؛^۶ برای مؤمن غربتی نیست. هیچ مؤمنی در غربت نمی‌میرد که گریه کنندگانش در کنارش نیستند، مگر اینکه آسمان و زمین بر او می‌گیرند».

◆ شبهه ابن تیمیه

ابن تیمیه معجزات ائمه^۷ و تأثیرپذیری مخلوقات از شهادت ائمه^۸ را تکذیب

۱. مانند جریان حضرت سلیمان و هدهد.

۲. اسنادش در ادامه خواهد آمد.

۳. سوره دخان (۴۴)، آیه ۲۹.

۴. همان؛ بغوی، ابومحمد، معالم التنزیل، ج ۷، ص ۲۳۲.

۵. ثعلبی، ابواسحاق، تفسیر الثعلبی، ج ۸، ص ۳۵۳.

۶. ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر ابن کثیر، ج ۷، ص ۲۵۳.

۷. ائمه معصومین علیهم السلام.

۸. ائمه اثنی عشری علیهم السلام.

کرده است، به‌ویژه آنچه در شهادت امام حسین علیه السلام نقل شده است. او در کتاب منهاج/السنة می‌گوید:

أَنَّ كَثِيرًا مِّمَّا رُوِيَ فِي ذَلِكَ كَذِبٌ، مِثْلُ كَوْنِ السَّمَاءِ أَمْطَرَتْ دَمًا، [فَإِنَّ هَذَا مَا وَقَعَ قَطُّ فِي قَتْلِ أَحَدٍ]، وَمِثْلُ كَوْنِ الْحُمْرَةِ ظَهَرَتْ فِي السَّمَاءِ يَوْمَ قَتْلِ الْحُسَيْنِ وَلَمْ تَظْهَرْ قَبْلَ ذَلِكَ؛ فَإِنَّ هَذَا مِنَ التُّرَاهَاتِ، فَمَا زَالَتْ هَذِهِ الْحُمْرَةُ تَظْهَرُ وَلَهَا سَبَبٌ طَبِيعِيٌّ مِنْ جِهَةِ الشَّمْسِ، فَهِيَ بِمَنْزِلَةِ الشَّفَقِ. وَكَذَلِكَ قَوْلُ الْقَائِلِ: "إِنَّهُ مَا رُفِعَ حَجَرٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهُ دَمٌ غَبِيطٌ". هُوَ أَيْضًا كَذِبٌ بَيِّنٌ؛^۱

بیشتر چیزهایی که در این زمینه نقل کرده‌اند، دروغ است؛ مانند خون باریدن از آسمان که این کار در قتل کسی اتفاق نمی‌افتد و نیز مثل سرخی آسمان در قتل حسین که چنین حادثه‌ای قبل از او ظاهر نشده است. اینها دروغ‌اند. منشأ این سرخی خورشید است، و امری طبیعی مانند شفق است. و همچنین گفتار کسی که می‌گوید در روز قتل حسین هیچ سنگی از زمین برداشته نمی‌شد، مگر اینکه از زیرش خون تازه جاری بود، این نیز دروغ آشکاری است.

♦ تأثرات آسمان و زمین از شهادت امام حسین علیه السلام

الف) گریه آسمان و کیفیت آن

شکی نیست که امکان‌پذیر است آسمان و زمین و دیگر موجودات بر کسی گریه کنند و در سوگ او غمگین باشند، ولی باید توجه داشت که گریه و سوگ انسان، حیوان، آسمان و زمین و هر موجود دیگر به حسب خودشان است. در کتب زیادی از کتاب‌های اهل سنت وارد شده^۲ که بعد از شهادت امام حسین علیه السلام آسمان بر آن

۱. ابن تیمیه، عبدالحلیم، منهاج/السنة، ج ۴، ص ۵۶۰.

۲. ما در این مقاله فقط به کتبی ارجاع می‌دهیم که صاحبان کتب، از افراد مورد قبول ابن تیمیه، یا از طرفداران ابن تیمیه باشند و اگر از کتب دیگر اهل سنت ارجاعی بدهیم، صرفاً برای تأیید است و در هر موردی، یک روایت را برای نمونه ذکر می‌کنیم و طرق دیگر همان روایت را بدون تکرار اصل روایت می‌آوریم.

حضرت گریه کرد؛ چنان که نقل کرده‌اند:

قال ابن سیرین: لم تبك السماء على أحد بعد يحيى بن زكريا إلا على الحسين؛^۱

ابن سیرین گفت: آسمان بعد از یحیی بن زکریا علیه السلام، برای هیچ

کسی جز حسین بن علی علیه السلام گریه نکرده است.

این روایت با الفاظ مشابه از طریق راویان دیگر مانند ابراهیم،^۲ سدی^۳ و قره^۴ نیز نقل شده است. در این نقل‌ها، اصل گریه بدون اشاره به کیفیت آن ذکر شده است. طبق روایات، امام حسین علیه السلام جان پیامبر صلی الله علیه و آله بود^۵ و در شهادت او تمام عالم غمگین شد و با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که در سوگ شهادت امام حسین علیه السلام محزون بودند، همراهی کردند که حزن و اندوه عالم در روایات مختلف وارد شده است. کیفیت و مصادیق غم و اندوه آسمان در شهادت امام حسین علیه السلام در منابع روایی و تاریخی به چند صورت مانند باران خون، خورشید گرفتگی، سرخی آسمان و تاریکی هوا بیان شده است و ممکن است تاریکی آسمان یک اتفاق بوده باشد که عده‌ای با کسوف، برخی با سرخی و برخی دیگر با تاریکی آن را وصف کرده باشند. ما در اینجا روایات هر کدام را جداگانه می‌آوریم.

۱. کسوف خورشید

از مصادیق گریه آسمان، اظهار اندوه اجرام آسمانی از جمله خورشید است. گریه خورشید به این گونه بود که به امر خداوند متعال، نور آن کم شود و دنیا تاریک یا آسمان سرخ جلوه داده شود تا با این طریق در سوگ عزیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شریک باشد. این امر در کتب تاریخی ذکر شده؛ از جمله طبرانی نقل می‌کند:

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۴، ص ۲۲۵ (کتاب ابن عساکر از کتاب‌های مورد استناد ابن تیمیه است)؛ ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۲.
۲. رازی، ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۰، ص ۳۲۸۹.
۳. ثعلبی، ابواسحاق، پیشین، ج ۸، ص ۳۵۳؛ قرطبی، محمد بن احمد، تفسیر القرطبی، ج ۱۶، ص ۱۴۱.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۶۴، ص ۲۱۷.
۵. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «حسین مني و أنا من حسين» (ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۴، ص ۱۷۲).

حدثنا قيس أبي قيس النجاري، نا قتيبة بن سعيد، نا ابن لهيعة،
عن أبي قبيل، قال: «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ
انكسفت الشمس كسفة حتى بدت الكواكب نصف النهار حتى
ظننا أنها هي؛^۱

هنگامی که امام حسین عليه السلام به شهادت رسید، خورشید گرفت و
آن قدر تاریک شد که هنگام ظهر ستاره‌های آسمان ظاهر گردیدند.
از این اتفاق چنین پنداشتیم که قیامت برپا شده است.
نورالدین هیشمی در مورد سند این روایت گفته است: «رواه الطبراني وإسناده
حسن».^۲

بررسی رجال حدیث

- قیس بن ابی القیس: از بزرگان تابعین است که نسایی از او روایت کرده و
ابن حبان او را در کتاب الثقات آورده است.^۳

- قتیبة ابن سعید: از رجال بخاری است که ۳۰۸ حدیث از او نقل کرده و از رجال
مسلم است که ۶۶۸ حدیث نقل کرده و از رجال ترمذی، نسایی و ابن ماجه است.^۴
نسایی در مورد او گفته: «ثقة مأمون»^۵ و ذهبی گفته: «الامام الثقة»^۶

- ابن لهيعة (عبدالله): از کسانی است که از تابعین اخذ حدیث کرده. اوزاعی، شعبه،
و ثوری از او نقل حدیث کرده‌اند و احمد بن حنبل و دیگران او را ثقة شمرده‌اند.^۷

۱. ر. ک: طبراني، ابوالقاسم، المعجم الكبير، ج ۳، ص ۱۱۴؛ هیشمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۹۷؛

مزی، یوسف، تهذيب الكمال، ج ۶، ص ۴۳۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۸.

۲. هیشمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۷.

۳. مزی، یوسف، پیشین، ج ۲۴، ص ۷۹.

۴. زرکلی، خیرالدین، الاعلام، ج ۵، ص ۱۸۹.

۵. نسایی، احمد، مشیخة النسائی، ص ۶۲.

۶. ذهبی، شمس الدین، پیشین، ج ۱۱، ص ۱۳.

۷. سیوطی، جلال الدین، حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة، ج ۱، ص ۳۰۱.

– **ابوقبیل (المعافری):** از رجال بخاری و ابوداود و ترمذی و نسایی است.^۱ احمد بن حنبل، عثمان بن سعید دارمی، یحیی بن معین و ابوزرعه، او را توثیق کرده‌اند و ابوحاتم او را صالح الحدیث دانسته است.^۲

این روایت از طریق یزید بن ابی‌زید^۳ نیز نقل شده است.

این کسوف، کسوف معمولی که ماه در بین خورشید و کره زمین قرار می‌گیرد، نبوده تا نماز آیات واجب گردد، بلکه رخدادی بوده که در آن، آسمان سرخ گردیده و در میانه روز، زمین تاریک شده است؛ همچنان که اگر قرار باشد عذاب الهی نازل شود، آسمان تاریک و سرخ می‌شود و بادهای طوفانی می‌وزد. این حادثه نیز نشان غضب الهی بر این جنایت عظیم بوده است. کسانی که این حالت را گزارش کرده‌اند با فهم خود و با مسامحه، از لفظ کسوف استفاده کرده‌اند. مؤید این مطلب آن است که کسی نقل نکرده که در آن زمان نماز آیاتی هم بر مشاهده‌کنندگان از جمله بر اهل بیت امام حسین (علیه السلام) واجب شده باشد. به همین جهت این تاریکی آسمان با گفته پیامبر (صلی الله علیه و آله) که فرمودند «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَانِ مِنَ آيَاتِ اللَّهِ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ»^۴ خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های خداوند هستند و با مرگ و زندگی کسی نمی‌گیرند، منافاتی ندارد و این حادثه برای مرگ شخص نبوده، بلکه در آن زمان نشان غضب الهی بوده است؛ چنان که علمای اهل سنت^۵ نیز به این مطلب تصریح کرده‌اند که در بخش سرخی آسمان، ذکر خواهیم کرد.

۲. سرخی آسمان

عده‌ای از راویان نیز به سرخی آسمان که بر اثر غضب الهی به وجود آمده بوده، توجه داشته و آن را با این تعبیر ذکر کرده‌اند. این امر در روایات مختلف مورد اشاره بوده است. طبرانی می‌گوید: «حدثنا محمد بن عبد الله الحضرمي ثنا منجاب

۱. عسقلانی، ابن حجر، تهذیب الکمال، ج ۳۴، ص ۱۹۴.

۲. همان، ج ۷، ص ۴۹۲.

۳. زرنجی، جمال‌الدین، نظم درر السمطین، ص ۲۲۰.

۴. نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، ج ۳، ص ۳۱.

۵. مانند ابن جوزی.

بن الحارث ثنا علي بن مسهر حدثني جدتي أم حكيم؛ قالت: «قتل الحسين بن علي و أنا يومئذ جويرية، فمكثت السماء أياما مثل العلقة»؛^١ وقتي حسين عليه السلام كشته شد، من جوان بودم که چند روزی آسمان مانند خون بود. هیشمی گفته است: «رواه الطبرانی و رجاله إلى أم حكيم رجال الصحيح»؛^٢ رجال این حدیث تا ام حکیم، رجال صحیح است. مضمون این روایت، با الفاظ مشابه از طریق راویان دیگر از جمله عیسی بن حارث کندی،^٣ هلال بن ذکوان،^٤ زید بن ابی زیاد،^٥ أسود بن قیس،^٦ جمیل بن زید^٧ و ابن سیرین نقل شده است.^٨

ابن اثیر می نویسد:

و مكث الناس شهرين أو ثلاثة كأنما تلتخ الحوائط بالدماء ساعة
تطلع الشمس حتى ترتفع؛^٩
مردم دو یا سه ماه (بعد از شهادت حسین عليه السلام) این صحنه را
می دیدند که از طلوع خورشید تا غروب، چنان بود که گویا دیوارها با
خون رنگ شده اند.

١. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ٣، ص ١١٣؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ٩، ص ١٩٦؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ١٤، ص ٢٢٦.
٢. هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ٩، ص ١٩٦.
٣. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ٣، ص ١١٤؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ٩، ص ١٩٧؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ١٤، ص ٢٢٧؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ٦، ص ٤٣٣؛ ذهبی، شمس الدین، پیشین، ج ٣، ص ٣١٢؛ همو، تاریخ الإسلام، ج ٥، ص ١٥.
٤. ابن جوزی، شمس الدین، تذکرة الخواص، ص ٢٤٦.
٥. ابن کثیر، اسماعیل، پیشین، ج ٤، ص ١٥٤.
٦. واقدی، ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ١٠، ص ٥٠٨؛ ذهبی، شمس الدین، پیشین، ج ٥، ص ١٥؛ همو، سیر اعلام النبلاء، ج ٣، ص ٣١٢؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ١٤، ص ٢٢٧؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ٦، ص ٤٣٢.
٧. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ٣، ص ١١٣؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ٩، ص ١٩٧.
٨. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ٣، ص ١١٤؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ٩، ص ١٩٧؛ بلاذری، احمد بن یحیی، أنساب الأشراف، ج ٣، ص ٢٠٩؛ متقی، علاء الدین، کنز العمال، ج ١٣، ص ٦٧٣؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ١٤، ص ٢٢٨؛ ثعلبی، ابواسحاق، پیشین، ج ٨، ص ٣٥٣؛ واقدی، ابن سعد، پیشین، ج ١٠، ص ٥٠٧.
٩. ابن اثیر، عزالدین، الکامل فی التاریخ، ج ٤، ص ٩٠.

درست است که سرخی آسمان، در وقت صبح و وقت غروب، امری طبیعی است، ولی سرخی ذکر شده در این روایات، سرخی شدیدی بوده است که حتی در طول روز نیز مشاهده و قرمزی آن بر دیوارها بوده است. این روایات نمی‌گویند که سرخی زمان صبح و غروب (شفق و فلق) نبوده و بعد از شهادت امام حسین علیه السلام به وجود آمده است.^۱

اینکه در روایات مدت زمان این سرخی متفاوت است، شاید به این علت باشد که در روزهای اول بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، این سرخی شدیدتر و در طول روز بوده و در ماه‌های بعد کمتر شده و به زمان طلوع و غروب (که قبلاً هم بوده) محدود شده است و این راویان هر کدام وضع زمان‌های مختلف را گزارش کرده‌اند. این سرخی، عبارت دیگری از همان کسوفی است که راویان ذکر کرده‌اند به هر حال این سرخی معمولی و طبیعی نبوده، بلکه مدت و شدتش با سرخی در کسوف‌های معمولی فرق داشته و نشان‌دهنده غضب خداوند و برای مردم نیز تعجب‌آور بوده‌است و آنها نیز تغییر در وضع آسمان را احساس می‌کردند.

چنان که ابن جوزی از بزرگان اهل سنت هم گفته است:

لَمَّا كَانَ الْقَضْبَانُ يَحْمَرُّ وَجْهُهُ فَيَتَبَيَّنُ بِالْخُمْرَةِ تَأْثِيرُ غَضَبِهِ،
وَالْحَقُّ شُبْحَانَهُ لَيْسَ بِجِسْمٍ، أَظْهَرَ تَأْثِيرَ غَضَبِهِ بِخُمْرَةِ الْأُفُقِ حِينَ
قُتِلَ الْحُسَيْنُ؛^۲

خداوند جسم نیست، ولی تأثیر غضب خود بر قاتلین حسین علیه السلام

را با سرخی آسمان نشان داده و این دلیل بر بزرگی جنایت است.

مفسران در ذیل آیه ﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ﴾^۳ نیز آورده‌اند که از مصادیق بکای آسمان، سرخی آن است؛ چنان که ثعلبی از عطا نقل می‌کند: «في

۱. اگر چه برخی از روایات ممکن است در این معنا جعل شده باشد، ولی ابن تیمیه به این روایات زیاد که دلالت بر سرخی آسمان در طول روز دارند، اعتنا نمی‌کند و به یک روایت جعلی (به وجود آمدن سرخی صبح در شهادت امام حسین علیه السلام) استناد می‌کند.

۲. ابن جوزی، ابوالفرج، التبصرة، ج ۲، ص ۱۵.

۳. سوره دخان (۴۴)، آیه ۲۹.

هذه الآية بكاءها حمرة أطرافها» و از سدی نقل می‌کند: «لما قتل الحسين بن علي (رضي الله عنهما) بكت عليه السماء، وبكاؤها حمرتها»؛^۱ یعنی در آیه قرآن، منظور از گریه آسمان، قرمزی آن است.

۳. تاریک شدن آسمان

تاریک شدن دنیا هم تعبیری دیگر از واقعه عظیم است که در شهادت امام حسین (علیه السلام) اتفاق افتاد. در منابع متعدد اهل سنت، این مطلب نقل شده است. ابن عساکر با سند خود^۲ از ام‌حیان نقل می‌کند: «يوم قتل الحسين أظلمت علينا ثلاثاً».^۳ از طریق خلف بن خلیفه نقل شده: «لما قتل الحسين اسودت السماء وظهرت الكواكب نهاراً»^۴ مضمون این روایت، با الفاظ مشابه، از طریق ابن سیرین^۵ نیز نقل شده است.

طبق این روایات، در ایام شهادت امام حسین (علیه السلام) خورشید سه روز کم‌نور شد؛ به‌طوری‌که عده‌ای از آن به کسوف و عده‌ای به تاریکی و سرخی آسمان تعبیر آوردند. از این حادثه مردم ترسیدند و خیال کردند از مقدمات قیامت است؛ چنان‌که در روایتی که از این تاریکی به کسوف تعبیر شده، آمده است: «بدت الكواكب نصف النهار حتى ظننا أنها هي (أي القيامة)».^۶

۱. ثعلبی، ابواسحاق، تفسیر ثعلبی، ج ۸، ص ۳۵۳.

۲. «أخبرنا أبو القاسم إسماعيل بن أحمد أنا محمد بن هبة الله قالوا: أنا محمد بن الحسين أنا عبد الله بن جعفر نا يعقوب حدثني أيوب بن محمد الرقي نا سلام بن سليمان الثقفي عن زيد بن عمرو الكندي قال حدثني أم حيان قالت...».

۳. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۴؛ مقریزی، تقی‌الدین، /متاع الأسماع، ج ۱۲، ص ۲۴۲.

۴. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۶؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۲؛ عسقلانی، ابن حجر، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۵.

۵. ابن جوزی، شمس‌الدین، پیشین، ص ۲۴۶؛ زرنندی، جمال‌الدین، پیشین، ص ۲۲۱.

۶. طبرانی، ابوالقاسم، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۱۱۴؛ هبثمی، علی بن ابی‌بکر، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۷؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۸.

۴. باران خون

یکی دیگر از مصادیق گریه آسمان در شهادت امام حسین علیه السلام که در منابع تاریخی و روایی ذکر شده، این است که بعد از شهادت او از آسمان خون بارید (یا چیزی مانند خون) و مردم آن را به چشم خود دیدند و تعجب کردند و ترسیدند و حتی دیوارها و لباسشان و ظروفشان هم سرخ رنگ شد:

قال مسلم بن ابراهیم: حدثنا أم شرف (شوق) العبدیه قالت: حدثني نضره الازدیه، قالت: «لَمَّا ان قتل الحسين بن علي مطرت السماء دماً فأصبحت وكل شيء لنا ملآن دماً؛^۱
نضره ازدیه می گوید: زمانی که حسین بن علی شهید شد، از آسمان خون بارید و ما در حالی صبح کردیم که همه چیز پر از خون شده بود.

مضمون این روایت با الفاظ مشابه که همه بر بارش خون دلالت دارند، از طریق راویان دیگر از جمله ام سلمه،^۲ سلیم قاضی،^۳ ام سالم،^۴ ابن عباس^۵ و ابی سعید^۶ نیز نقل شده است.

همچنین خطبه حضرت زینب کبری علیه السلام که در کتب عامه هم نقل شده است، بر این واقعه دلالت دارد. ایشان در خطبه خود در شهر کوفه به باران خون و تعجب مردم

۱. مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۷؛ بیهقی، ابوبکر، دلائل النبوة، ج ۶، ص ۴۷۱؛ واقدی، ابن سعد، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۰۵؛ ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۲؛ مقریزی، تقی الدین، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۴۱.
۲. طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی، ص ۱۴۵؛ زرنندی، جمال الدین، پیشین، ص ۲۲۲؛ صالحی، محمد بن یوسف، سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۱، ص ۸۰.
۳. واقدی، ابن سعد، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۰۵؛ رازی، ابن ابی حاتم، الجرح والتعديل، ج ۴، ص ۲۱۶؛ قرطبی، محمد بن احمد، پیشین، ج ۱۶، ص ۱۴۱؛ ثعلبی، ابواسحاق، پیشین، ج ۸، ص ۳۵۳.
۴. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۳؛ ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۲؛ همو، تاریخ الإسلام، ج ۵، ص ۱۶.
۵. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، بنایع المودة لدوی القری، ج ۳، ص ۱۰۲.
۶. زرنندی، جمال الدین، پیشین، ص ۲۲۱؛ ابن جوزی، شمس الدین، پیشین، ص ۲۴۶.

از آن اشاره کردند و فرمودند: «أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا؟^۱ آیا تعجب کردید که آسمان خون بارید؟»

طبق این نقل‌ها که از راویان مختلف نقل شده، در شهادت امام حسین علیه السلام از آسمان خون بارید و این امر نیز از مصادیق گریه آسمان است و این واقعه ناممکن نیست؛ چنان که یکی از عذاب‌های الهی که بر بنی اسرائیل نازل شد، خون بود: ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ﴾^۲

پس طوفان و ملخ و شپش و وزغ‌ها و خون را که معجزه‌هایی از هم جدا بود، بر آنها فرستادیم و باز گردن‌کشی کردند که گروهی بزهکار بودند.

در تفسیر این آیه گفته‌اند: «فسال النيل عليهم دمًا وصارت مياههم دمًا و ما يستقون من الآبار والأنهار إلا وجدوه دما غبيطاً أحمر»^۳ وقتی عذاب خون آمد، رود نیل و همه آب‌ها و چاه‌ها و نهرها برای قبطیان خون قرمز شد. و طبق نقل بزرگان مفسران، باران خون در شهادت حضرت یحیی علیه السلام نیز اتفاق افتاده بود. ابن‌ابی‌حاتم می‌گوید: «إِنَّ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا لَمَّا قُتِلَ، احْمَرَّتِ السَّمَاءُ وَقَطَرَتْ دَمًا»^۴.

مسلماً این ماده قرمز رنگ که راویان از آن به خون تعبیر کرده‌اند، مثل خون انسان و حیوان نبوده که نجس باشد، بلکه سرخی‌ای بوده که نشان غضب است و در اینجا به صورت باران نمایان شده است. یادآوری حضرت زینب علیه السلام در خطبه‌اش بهترین شاهد است که مردم آن را دیده و تعجب کرده و ترسیده بودند و چنان که در بعضی از نقل‌ها ذکر شده، آثار آن در دیوارها و لباس‌ها هم مشاهده می‌شده است.

۱. ابن‌فقیه، ابوبکر، *البلدان*، ص ۲۲۴؛ خوارزمی، موفق، *مقتل خوارزمی*، ج ۲، ص ۴۶.

۲. سوره اعراف (۷)، آیه ۱۳۳.

۳. بغوی، ابومحمد، *معالم التنزیل*، ج ۳، ص ۲۷۱.

۴. رازی، ابن‌ابی‌حاتم، *تفسیر القرآن العظیم*، ج ۱۰، ص ۲۲۸۹.

ب) گریه زمین

امکان گریه کردن زمین نیز در آیه قرآن و روایات ثابت است؛ چنان که مجاهد و ابن عباس و قتاده گفته‌اند: «هر مؤمن که از دنیا می‌رود، زمین بر او گریه می‌کند».^۱ این گریه برحسب خلقت خود زمین است. در منابع تاریخی و روایی مصادیقی را برای گریه زمین در شهادت امام حسین (علیه السلام)، ذکر کرده‌اند که نقلشان می‌کنیم.

۱. جاری شدن خون از زیر سنگ‌ها

یکی از مصادیق گریه زمین این بود که هر سنگی که از زمین برداشته می‌شد، از زیر آن خون جاری می‌شد و این مطلب با طرق و الفاظ مختلف، در کتاب‌های عامه نقل شده. ابن عساکر با سندش^۲ از عمر بن علی نقل می‌کند:

قال أرسل عبد الملك إلى ابن رأس الجالوت فقال: هل كان في قتل الحسين علامة؟ قال ابن رأس الجالوت: ما كشف يومئذ حجر إلا وجد تحته دم عبيط؛^۳

عبد الملك مروان از ابن رأس الجالوت پرسید. آیا در قتل حسین نشانه‌ای بود؟ گفت: در آن روز هیچ سنگی برداشته نشد، مگر اینکه زیرش خون تازه یافت می‌شد.

مشابه این روایت از طریق دیگران^۴ نیز نقل شده است.

و همچنین نقل شده:

عن ابن شهاب قال: ما رفع بالشَّام حجر يوم قتل الحسين بن عليّ إلا عن دم؛^۵

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲۲، ص ۳۴.

۲. «أخبرنا أبو بكر الشاهد أن الحسن بن علي الجوهري أنا أبو عمر الخزاز أنا أبو الحسن الخشاب بن الفهم أنا محمد بن سعد أنا محمد بن عمر حدثني عمر بن محمد بن عمر بن علي عن أبيه».

۳. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۳۰؛ ذهبی، شمس الدین، پیشین، ج ۵، ص ۱۶.

۴. واقدی، ابن سعد، پیشین، ج ۱۰، ص ۵۰۵؛ ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۵۴.

۵. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۳؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۶.

ابن شهاب می گوید: روز شهادت حسین بن علی علیه السلام، هیچ سنگی

در شام برداشته نشد، مگر از خون.

نیز با این لفظ هم نقل شده که هیچ سنگی در بیت المقدس برداشته نشد، مگر

اینکه زیر آن خون تازه یافت می شد:

عن الزهري قال: لما قتل الحسين بن علي عليه السلام لم يرفع حجر

ببيت المقدس إلا وجد تحته دم عبيط؛^۱

زهري می گوید: زمانی که حسین علیه السلام شهید شد، هیچ سنگی در

بیت المقدس برداشته نشد، مگر اینکه زیر آن خون تازه یافت می شد.

در مورد این روایات، چند نکته گفتنی است:

۱. اختلاف این روایات ناشی از آن است که این حادثه در بلاد مختلف روی داده است، و راویان آنچه را که خود در این شهرها دیده یا شنیده اند، گفته اند. ممکن است جاری شدن خون، نشانی برای اهل شام و بیت المقدس باشد.

۲. جاری شدن خون از زیر سنگ ها، فقط مختص به ایام شهادت امام حسین علیه السلام نیست و این واقعه در سوگ سایر اولیای الهی نیز ممکن است اتفاق بیفتد؛ چنانکه در شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نقل کرده اند:

عن الزهري إن أسماء الأنصارية قالت: ما رفع حجر بايلياء ليلة

قتل علي عليه السلام إلا و وجد تحته دم عبيط؛^۲

زهري از اسماء انصاری نقل کرده که در شب شهادت حضرت

علی علیه السلام، هیچ سنگی در ایلیا (بیت المقدس) برداشته نشد، مگر

اینکه زیر آن خون تازه یافت می شد.

۱. طبرانی، ابوالقاسم، پیشین، ج ۳، ص ۱۱۳؛ ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۴؛ مقریزی، تقی الدین، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۴۲؛ هیثمی، علی بن ابی بکر، پیشین، ج ۹، ص ۱۹۶؛ ذهبی، شمس الدین، سیر أعلام النبلاء، ج ۳، ص ۳۱۴؛ عسقلانی، ابن حجر، پیشین، ج ۲، ص ۳۰۵؛ بیهقی، ابوبکر، پیشین، ج ۶، ص ۴۷۱.

۲. حاکم نیشابوری، محمد، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۴؛ مقریزی، تقی الدین، پیشین، ج ۱۲، ص ۲۴۲.

۳. وقتی که امکان این مطلب با آیه ثابت است و وقوع آن با روایات متعدد به ما رسیده است و به‌ویژه که سابقه هم داشته است، جای شکی در مورد آن باقی نمی‌ماند و در مسائل تاریخی، بعد از نقل یک یا دو مورخ، وقوع یک حادثه به آسانی مورد انکار قرار نمی‌گیرد، ولی این واقعه با اینکه از مورخان و محدثان زیادی و با طرق متعددی نقل شده است، چون فضایی را برای اهل بیت علیهم‌السلام ثابت می‌کنند، مورد انکار قرار گرفته‌اند، و گر نه اشکال امکانی یا وقوعی ندارند.

۲. جاری شدن خون از دیوارهای دارالاماره

نمود دیگر گریستن زمین، جاری شدن خون از دیوار است که نقل شده:
روی من طریق ابن بنت منیع، و عن مروان مولى هند بنت
المهلب قال: حَدَّثَنِي بَوَّابُ عَبِيدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ أَنَّهُ لَمَّا جِيءَ بِرَأْسِ
الْحُسَيْنِ بَيْنَ يَدَيْهِ رَأَيْتُ حَيْطَانَ دَارِ الْأَمَارَةِ تَسَالِيلَ دَمًا. خُرْجَه
ابن بنت منیع؛^۱
در بیان ابن زیاد نقل می‌کند: هنگامی که سر مبارک امام
حسین علیه‌السلام را در برابر ابن زیاد نهادند، دیدم که از دیوارهای
دارالاماره خون جاری می‌گشت.

♦ نتیجه

این اتفاقات عجیب، نشان از عظمت حادثه عاشورا و عظمت جنایتی است که در آن روز رخ داد. می‌توان ادعا کرد که روایات مربوط به وقوع عجایب بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام، مستفیض هستند. این علایم، هم نشان از گریه و تأثر موجودات است و هم نشان غضب الهی است و صرف استبعاد نمی‌تواند دلیل بر انکار این اتفاقات باشد. علت اینکه کسانی مثل ابن تیمیه این امور را انکار کرده‌اند، بیشتر دفاع از امویان و پنهان کردن جنایات آنها و به جهت داشتن روحیه عثمانی‌گری اوست.

۱. ابن عساکر، علی بن حسن، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۲۹؛ مزی، یوسف، پیشین، ج ۶، ص ۴۳۴.

◆ منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن ابی کرم: **الکامل فی التاریخ**، بیروت: دارصادر، چاپ اول، ۱۳۸۵ق.
۲. ابن تیمیہ، عبدالحلیم حرانی: **منہاج السنہ**، تحقیق: محمد رشاد سالم، عربستان: نشر دانشگاه محمد بن سعود، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۳. ابن جوزی، شمس الدین: **تذکرۃ الخواص من الأئمة فی ذکر خصائص الأئمة**، قم: الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۴. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی: **التبصرة لابن الجوزی**، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
۵. ابن حنبل، احمد: **مسند**، تحقیق: شعیب أرنؤوط - عادل مرشد وآخرون، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. ابن عساکر شافعی، علی بن حسن: **تاریخ مدینہ دمشق**، تحقیق علی شیر، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
۷. ابن فقیہ، ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق: **البلدان**، بیروت: عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
۸. ابن کثیر دمشقی، ابوالفداء اسماعیل بن عمر: **البدایة و النہایة**، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۰۸ق.
۹. _____: **تفسیر ابن کثیر**، بیروت: دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
۱۰. بغوی، ابومحمد حسین بن مسعود: **معالم التنزیل**، دار طیبہ، چاپ چهارم، ۱۴۱۷ق.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی: **أنساب الأشراف**، بیروت: دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
۱۲. بیہقی، ابوبکر احمد بن الحسین: **دلائل النبوة**، تحقیق: قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
۱۳. ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد: **تفسیر الثعلبی**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.
۱۴. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله: **مستدرک علی الصحیحین**، باشراف: یوسف عبدالرحمن، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۵. خوارزمی، موفق بن احمد: **مقتل الحسین**، تحقیق: سماوی محمد، قم: انوارالهدی، بی تا.
۱۶. ذہبی، شمس الدین: **تاریخ الإسلام**، تحقیق: د. عمر عبدالسلام تدمری، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷ق.
۱۷. _____: **سیر أعلام النبلاء**، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ نهم، ۱۴۱۳ق.
۱۸. رازی، ابن ابی حاتم عبدالرحمن بن محمد: **الجرح والتعديل**، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۳۷۱ق.
۱۹. _____: **تفسیر القرآن العظیم**، عربستان: نشر نزار مصطفی، چاپ سوم، ۱۴۱۹ق.
۲۰. زرکلی دمشقی، خیرالدین بن محمود بن محمد بن علی بن فارس: **الأعلام**، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲م.
۲۱. زرنندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف: **نظم درر السمطین**، نشرمکتبه امیرالمؤمنین علیه السلام، چاپ اول، ۱۳۷۷ق.

٢٢. سيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبي بكر: **حسن المحاضرة في تاريخ مصر والقاهرة**، محقق: محمد ابوالفضل ابراهيم، مصر: دار إحياء الكتب العربية، چاپ اول، ١٣٨٧ق.
٢٣. صالحى دمشقى، محمد بن يوسف: **سبل الهدى والرشاد**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٢٤. طبرانى، ابوالقاسم سليمان بن احمد: **المعجم الكبير**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٤٠٤ق.
٢٥. طبرى، احمد بن عبدالله: **ذخائر العقبى**، قاهره: مكتبة القدسي، چاپ اول، ١٣٥٦ق.
٢٦. طبرى، محمد بن جرير: **جامع البيان في تأويل القرآن**، محقق: احمد محمد شاكر، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٢٧. عسقلانى، ابن حجر: **تهذيب التهذيب**، بيروت: دار الفكر، چاپ اول، ١٤٠٤ق.
٢٨. قرطبي، محمد بن احمد: **تفسير القرطبي**، بيروت: دار إحياء التراث العربي، چاپ دوم، ١٤٠٥ق.
٢٩. قندوزى، سليمان بن ابراهيم: **ينابيع المودة لذوي القربى**، قم: دار الأسوة، چاپ اول، ١٤١٦ق.
٣٠. كلينى، محمد بن يعقوب: **الكافي**، تهران: دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش.
٣١. _____: **الكافي**، تهران: انتشارات اسلاميه، چاپ دوم، ١٣٦٢ش.
٣٢. متقى هندی، علاءالدين على بن حسام: **كنز العمال**، بيروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ١٤٠٩ق.
٣٣. مزى، يوسف بن عبدالرحمن: **تهذيب الكمال**، تحقيق: بشار عواد معروف، بيروت: مؤسسة الرسالة، چاپ چهارم، ١٤١٣ق.
٣٤. مقرئى، تقى الدين: **إمتاع الأسماع**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٢٠ق.
٣٥. نساى، ابى عبدالرحمن احمد بن شعيب بن على: **مشيخة النسائي (تسمية المشايخ)**، محقق: شريف حاتم بن عارف عوني، مکه مكرمه: دار عالم الفوائد، چاپ اول، ١٤٢٣ق.
٣٦. نيشابورى، مسلم بن حجاج: **صحيح**، بيروت: دارالجيل و دارالافاق، بى تا.
٣٧. هيثمى، على بن ابى بكر: **مجمع الزوائد**، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٨ق.
٣٨. واقدى، ابن سعد كاتب: **الطبقات الكبرى**، بيروت: دارالكتب العلمية، چاپ دوم، ١٤١٨ق.